

اعتمادآفرینی عاطفی و عقلانی مربی در تربیت دینی؛ روش‌ها، وظایف و مراقبت‌ها^۱

محمد مهدی حمیدی پور^۱، حسن نجفی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، تربیت اخلاقی، موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران. mmhamidipour@gmail.com
^۲ دکتری، مطالعات برنامه درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). hnajafih@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اعتمادآفرینی مربی تربیت دینی در رابطه با متربی بود. روش پژوهش تحلیلی - استنتاجی بوده و نتایج نشان داد که می‌توان اعتماد بین مربی و متربی در فضای تربیت دینی را به دو دسته «اعتماد عاطفی و عقلانی» تقسیم کرد. برای تحقق، حفظ و افزایش هر کدام از این دوگونه اعتماد، مربی باید اصول و روش‌های خاصی را اعمال کند. گونه‌شناسی اعتماد و تفکیک بین آنها، در انتخاب اهداف تربیتی موثر است. مربی تربیت دینی در رابطه تربیتی به دنبال تحقق اهداف تربیت است. هر کدام از اهداف در بستر خاصی محقق می‌شود. نوع اعتماد متربی به مربی یکی از علل موثر در انتخاب اهداف است. اعتماد عاطفی زمینه مناسبی برای تحقق برخی اهداف مانند ایجاد حبّ و التزام به ارزش‌های اخلاقی و نظام اسلامی است. همچنین اعتماد عقلانی بستر مناسبی برای تحقق اهدافی مانند ایجاد جهان‌بینی و تبیین ارزش‌های والای اسلامی است. اعتماد ایجاد شده از سوی مربی که مدار حرکتی‌اش بر محور توحید است، با ضمیر و قلب درمی‌آمیزد، تفکر را درگیر می‌کند و در نهایت در جوارح متجلی می‌شود. در این باره باید گفت که به طور طبیعی متربی اگر در چیزی حُسن و جمالی نیابد، به آن حس خوبی پیدا نمی‌کند و آن را دوست نمی‌دارد. به نظر می‌رسد اگر عاطفه بر احساسات سطحی و زودگذر مبتنی گردد و با تفکر همنشین نشود، نمی‌تواند نقش سازنده‌ای در کنش و عمل متربی داشته باشد. ارائه مباحث تربیتی در صورتی مفید است که متناسب با گرایش‌های فعال متربی و اعتماد او باشد.

کلیدواژه‌ها: مربی، تربیت دینی، نوجوان، اعتماد عاطفی، اعتماد عقلانی.

۱. مقدمه

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

© the authors

ناشر: مرکز تربیت معلم میبغ



تعلیم و تربیت در کاربرد عام، فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفاسازی هماهنگ استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۰). رابطه مربی و متربی یکی از ارکان تربیت است که از آن به رابطه تربیتی تعبیر می‌شود. در هر رابطه انسانی، اعتماد طرفینی یکی از ارکان ایجاد، تقویت و امتداد روابط است. اعتماد از ریشه «عمد» و در لغت به معنای گرویدن به دیگری، همراه با اطمینان خاطر است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۸، ص ۲۶۳). مفهوم اعتماد از جهت اصطلاحی از جمله مفاهیمی است که از سوی صاحب‌نظران رشته‌های علمی مختلف، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در روانشناسی، اعتماد یعنی باور و اتکاء به کسی که براساس آنچه از او انتظار می‌رود، عمل می‌کند. اریکسون^۱ (۱۹۵۰) اعتماد را مبنای اساسی هرگونه رابطه شخصی می‌داند و شکل‌گیری و رشد اعتماد را یکی از عوامل اصلی در انطباق و سازگاری و ایجاد شخصیت سالم به‌شمار می‌آورد. اعتماد در زبان مشترک به معنی میزان تمایل فرد به نسبت دادن نیت خوب به دیگران و داشتن اطمینان به گفتار و کردار آنهاست (دانایی‌فرد، رجب‌زاده، و حصیری، ۱۳۸۸، ص ۶). اعتمادآفرینی، فعالیت‌هایی است که مربی در راستای تحقق این حالات در متربی انجام می‌دهد.

در ظرف اعتماد است که مربی می‌تواند زمینه‌های رشد استعدادهای متربی خود را فراهم آورد و او را به اهداف تربیت برساند. در جایی که شک و بدبینی جای اعتماد را گرفته باشد، متربی نمی‌تواند دل به گفته‌های مربی خویش سپرده و طی مسیر کند. هرچند موضوع اعتماد و اعتمادآفرینی در امر تربیت از اهمیت زیادی برخوردار است، اما محققین آنطور که شایسته است، به این مقوله نپرداخته و آن را تبیین نکرده‌اند. مریدان مراکز تربیتی نیز آگاهی لازم را از انواع اعتمادِ متربی و راه‌های اعتمادآفرینی ندارند و این مشکل سبب بروز نتایج سوئی در امر تربیت شده است. البته یک‌سری پژوهش‌های نزدیک به مسئله و محدوده موضوعی پژوهش حاضر وجود دارد که مواردی مانند: «ایجاد ارتباط سازنده بین معلم و دانش‌آموز» (پودینه درویشی، ۱۴۰۰)، «تعامل معلم- دانش‌آموز در کلاس درس مدارس موفق و ناموفق» (اقدسی، کیامنش، مهدوی هزاوه، و صفرخانی، ۱۳۹۳)، از جمله آنها هستند.

در پژوهش پودینه درویشی (۱۴۰۰) نشان داده شد که بیشتر معلمان ایرانی در ایجاد رابطه مثبت با دانش‌آموزان مشکل دارند؛ زیرا اطلاعاتی در این باره ندارند و در مورد اهمیت چنین رابطه‌ای و آثار آن بر روی دانش‌آموزان آموزش ندیده‌اند.

1. Erikson

یافته‌های پژوهش اقدسی و همکاران (۱۳۹۳)، نیز نشان می‌دهد که فضای گرم و صمیمی توأم با احترام، توجه معلم به دانش‌آموزان و حمایت از آنان در کلاس‌های موفق، و ارتباط خشک و توأم با عدم احترام به فردیت دانش‌آموزان در کلاس ناموفق، از مهم‌ترین ویژگی‌های کلاس‌ها هستند. مهم‌ترین گفتمان معلمان و دانش‌آموزان در کلاس‌های موفق، پس از برقراری نظم، ارائه بازخوردهای کلامی، غیرکلامی، اصلاحی و تشویقی به پاسخ‌های دانش‌آموزان از سوی معلم و همکلاسی‌ها است. نهایتاً اینکه، معلمان در کنش‌های روانشناسانه و اخلاقی، دچار مشکل هستند؛ یعنی نسبت به دانش‌آموزان ضعیف و دارای مشکلات رفتاری، سوگیرانه رفتار می‌کنند و تخصص و آگاهی لازم را برای برخورد مناسب با این قبیل دانش‌آموزان ندارند.

در این راستا، هدف پژوهش تحلیلی- استنتاجی حاضر آن است که دو نوع اعتماد عاطفی و عقلانی که بین مربی^۱ و مربی وجود دارد را تبیین نموده و روش‌های ایجاد هر کدام را مورد بررسی قرار دهد. در ادامه نیز به بیان وظایف مربی در بستر هر کدام از این دو نوع اعتماد پرداخته و مراقبت‌هایی که مربی موظف است، انجام دهد و رعایت نماید، توضیح داده می‌شود. برای شفاف‌سازی بیشتر باید گفت که روش‌ها هرگونه اقدام کلی و جزئی تربیتی هستند که در راستای اعتمادآفرینی عاطفی و عقلانی مربی مؤثر هستند. منظور از وظایف، مسئولیت‌هایی است که مربی برای رشد مربی برعهده دارد. مراد از مراقبت‌ها، قواعدی است که مربی در فرایند اعتمادآفرینی عاطفی و عقلانی باید رعایت کند.

۲. اعتمادآفرینی عاطفی

۱-۲. تعریف و تبیین اعتماد عاطفی

اعتماد عاطفی، اعتمادی است که برآمده از قلب بوده و از علاقه مربی به مربی نشأت می‌گیرد. توجه به عواطف بین فردی، انس و الفت مربی با مربی و علاقه‌هایی که او به مربی روا می‌دارد، سبب می‌شود دل در گرو استاد خویش بسته و به گفتار و رفتار او اطمینان نماید (ضرابی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۶).

۲-۲. روش‌های ناظر به ایجاد اعتماد عاطفی

با توجه به ماهیت اعتمادآفرینی عاطفی مشخص می‌شود که مهم‌ترین قاعده و دستورالعمل برای جلب اعتماد مربی، رسوخ محبت مربی در دل او است؛ زیرا از طرفی کودک و نوجوان سرشار از احساسات

۱. منظور از مربی در پژوهش حاضر کودکان و نوجوانان مقاطع تحصیلی کلاس پنجم تا هشتم است.

بوده و محبت‌پذیری بالایی دارد و از طرف دیگر در این دوران شخص هنوز به بلوغ عقلی نرسیده است و نمی‌توان با استدلال‌ات عقلی لزوم همراهی و تبعیت از مربی را برای وی تبیین کرد. هرچند روش‌های متعددی برای ایجاد محبت در قلب دیگران بیان شده است، اما زمام این امر نیز مانند همه امور دیگر به دست خداوند متعال است. معصومین(ع) به ما آموخته‌اند که محبوب شدن در قلب مومنین را از خداوند متعال طلب کنیم. در روایت نبوی آمده است: «اللَّهُمَّ حَبِّبْنَا إِلَىٰ أَهْلِيهَا، وَ حَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِيهَا إِلَيْنَا» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۶۰)، «بارالها! ما را محبوب اهل آن (شهر) کن و اهالی درستکار آن را محبوب ما ساز».

در روایت دیگری امام سجاده(ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قُلُوبِ عِبَادِكَ مَحَبَّتِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۲۹۸)، «بارالها! محبت من را در قلب بندگان ببنداز». علاوه بر طلب از خداوند که بستر اصلی توفیق در اعتمادآفرینی است، روش‌های زیر می‌تواند کمک‌کننده باشد.

۲-۲-۱. گمان نیکو

گمان نیکو روشی است که منجر به اطمینان متقابل و برقراری ارتباط صمیمی‌تری با مربی می‌شود. مربی می‌تواند بوسیله گمان نیکو بذر محبت و عاطفه را در دل مربی بکارد و زمینه اعتماد و اطمینان‌تری را فراهم آورد. در روایتی از امام علی(ع) بیان شده است که گمان نیکو به افراد سبب جلب محبت آنها می‌شود. ایشان می‌فرماید: «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۴۱)، «هر کس به مردم گمان نیکو داشته باشد، محبت آنها را جلب می‌کند».

۲-۲-۲. تکریم منزلت و شخصیت

نوجوان می‌خواهد توجه و محبت دیگران را به خود جلب کند (اکبری، ۱۳۸۹، ص ۶۵). او دوست دارد در چشم دیگران بزرگ جلوه کند و برای شخصیت وی احترام قائل شوند. مربی با استفاده از روش تکریم منزلت‌مندی و شخصیت‌دهی به وی می‌تواند محبت و در نتیجه اعتماد او را جلب نماید. تکریم منزلت، موجب ایجاد امنیت در فرد می‌گردد و در روابط انسانی، روحیه اعتماد متقابل ایجاد می‌کند و در سایه چنین اعتمادی، مناسبات انسانی توسعه می‌یابد و امکان اقدام به امر تربیت مهیاء می‌گردد (کشاوری، ۱۳۸۷).

از جمله اموری که می‌تواند موجب تکریم منزلت و شخصیت‌مندی گردد، عبارتند از:

۲-۲-۲-۱. سلام کردن

سلام کردن مربی به مربی سبب ایجاد شخصیت و تکریم‌مندی می‌گردد و همین امر سبب می‌شود علاقه او به مربی افزایش پیدا کند. پیامبر(ص) می‌فرماید: «أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَّبْتُمْ أَفْشُوا

السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۸)، «آیا شما را به چیزی راهنمایی کنم که با انجام دادن آن محبت بین شما ایجاد شود؟ به یکدیگر سلام کنید». پیامبر (ص) سلام کردن به یکدیگر را موجب افزایش محبت طرفینی دانسته و فرموده‌اند این کار سبب می‌شود افراد محبوب یکدیگر شوند. تاکید ایشان بر این مهم تا حدی است که دستور داده‌اند که سلام کردن به کوچک‌ترها در جامعه سنت شود: «خَمْسٌ لِأَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: ... وَ التَّسْلِيمِ عَلَى الصَّبِيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۱)، «پنج چیز است که تا هنگام مرگم آن را ترک نمی‌کنم ... [یکی از آنها] سلام کردن به کودکان است تا اینکه بعد از من در جامعه سنت شود».

۲-۲-۲. تشویق کردن

تشویق یکی از روش‌های تکریم‌متربی است. تشویق سبب می‌شود متربی احساس کند نزد مربی جایگاه ویژه‌ای دارد. این روش نه‌تنها در رشد خودباوری و شخصیت‌متربی اثر دارد، بلکه منجر به افزایش محبت‌متربی به مربی نیز می‌شود؛ زیرا متربی به کسی که منزلت وی را تکریم کند، علاقه‌مند می‌شود.

۳-۲-۲. مشورت کردن

مشورت کردن با متربی یکی دیگر از روش‌هایی است که مربی می‌تواند در جریان تربیت از آن برای تکریم استفاده کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴۶۸). مشورت با متربی سبب تایید شخصیت او می‌شود. این تایید شخصیت و تکریم منزلت سبب افزایش علقه‌متربی به مربی می‌گردد. مربی در این زمینه گاه باید گام را از مشورت فراتر نهد و علاوه بر آن، به تصمیم و نظر متربی نیز جامه عمل بپوشاند؛ زیرا این کار نیز موجب تایید شخصیت‌متربی و اکرام او می‌شود.

۳-۲-۲. بهره‌گیری از فوق‌برنامه‌ها

از دیگر روش‌های اعتمادآفرینی عاطفی، بهره‌گیری از فوق‌برنامه‌ها است. فوق‌برنامه‌های ورزشی و تفریحی می‌تواند زمینه‌های اطمینان و علاقه‌متربی به مربی را فراهم آورد. عدم برقراری ارتباط موثر در چنین بسترهایی، یکی از مشکلاتی است که در مراکز فرهنگی و تربیتی مانند مساجد، کانون‌های فرهنگی و پایگاه‌های بسیج به چشم می‌خورد. کلاس‌های آموزشی و حلقه‌های معرفت به تنهایی برای نفوذ به قلب‌متربی و تاثیرگذاری ویژه بر او کافی نیست. مربی علاوه بر سخنرانی و کلاس‌داری، باید در بستره‌های دیگری نیز با متربی همراه باشد؛ مخصوصاً فوق‌برنامه‌هایی مانند کوهنوردی، اردو، رویدادهای ورزشی و به طور کلی برنامه‌های متنوعی که در فضای غیررسمی زمینه‌های ارتباط‌گیری مربی با متربی در آنها فراهم است.

توجه به این نکته لازم است که کثرت این برنامه‌ها نباید به حدی باشد که باعث دور شدن متربی از

خانواده و افسارگسیختگی وی شود. کثرت این فوق‌برنامه‌ها هرچند در ظاهر پسندیده است و در نگاه بدوی موجب رشد متری می‌گردد، اما آفاتی دارد که معمولاً مریبان نمی‌توانند آن را مدیریت کنند. برخی از این آفات عبارتند از:

- متری از خانه و خانواده خود فاصله می‌گیرد و به اصطلاح عامیانه از خانه فراری می‌شود. متری‌ای که عادت کرده است بیشتر وقت خود را با مری سپری کند، زمانی که ارتباط او با مری قطع شود، برای برطرف کردن این عادت خود - که به وسیله مری ایجاد شده است - سعی می‌کند نیاز خود را با همسالان و تفریح با آنها تأمین کند. پرواضح است در چنین مواقعی به دلیل نبود مری و فقدان ناظر، نوجوان در معرض مخاطرات اجتماعی قرار می‌گیرد.

- مری برای متری عادی می‌شود. ارتباط دائم و زیاد متری با مری سبب کم شدن جذابیت او برای متری خواهد شد. هدف از این فوق‌برنامه‌ها رسوخ محبت مری در دل متری است، اما زیاد شدن آنها سبب به حاشیه رفتن اقدامات تربیتی مری می‌شود.

۴-۲-۲. ابراز محبت

انسان شیفته محبت است، به حدی که محبت یکی از نیازهای او محسوب می‌شود (محمدی، ۱۳۷۹، ص ۳۵). ابراز محبت مری به عنوان یک روش مهم به دل بستگی متری جهت و سمت می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در متری نسبت به مری است. هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می‌توان با ابراز محبت، متری را به انجام برخی اعمال و با منع محبت، او را به ترک اعمالی برانگیخت (باقری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۳۰). ابراز محبت روش‌های متفاوتی دارد که می‌توان آنها را در دو دسته لسانی و عملی تقسیم‌بندی کرد. مری گاه محبت خود را در قالب الفاظ بیان می‌کند. این روش از آنجا اهمیت می‌یابد که ممکن است متری نتواند با اشارت‌ها و ظواهر، به درون مری پی ببرد. مری با ابراز محبت به متری، او را دل بسته خویش می‌گرداند و با تقویت مودت، رابطه خویش و متری را تحکیم می‌بخشد. در روایات اسلامی بر به زبان آوردن مهر و محبت تأکید شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۴). علاوه بر محبت لسانی و کلامی، مری می‌تواند در قالب عمل نیز محبت خود را ابراز کند. دست دادن به متری (مصافحه) و هدیه دادن به او از جمله روش‌های عملی در ابراز محبت هستند. در روایات اسلامی مصافحه و هدیه دادن را سبب از بین رفتن کدورت‌ها و جلب محبت دانسته‌اند، «تَصَافَحُوا فَإِنَّ التَّصَافِحَ يُذْهِبُ السَّخِيمَةَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۵۵)، «با یکدیگر دست دهید؛ زیرا دست دادن، کینه و کدورت را از بین می‌برد». «تَهَادُوا تَحَابُّوا، تَهَادُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۴۴)،

«به یکدیگر هدیه دهید تا محبت بین شما ایجاد شود. به یکدیگر هدیه دهید، زیرا کینه‌ها را از بین می‌برد. در حدیث دیگری از امام علی (ع) آمده است: «الْهَدِيَّةُ تَجْلِبُ الْمَحَبَّةَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹)، «هدیه دادن موجب جلب محبت می‌شود».

۲-۲-۵. تواضع و حُسن خلق

روش بعدی که زمینه علاقه و اعتماد متری به مربی را فراهم می‌آورد، تواضع و حُسن خلق است. پیامبر (ص) با حسن خلق توانست مردم را زیر چتر رحمت خویش گرد آورد و زمینه‌های هدایت آنها را فراهم نماید. تاثیر حسن خلق در جلب قلوب به حدی است که خداوند متعال از آن به عنوان رحمتی به پیامبر خویش یاد می‌کند و می‌فرماید: «اگر با مردم خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹). امام علی (ع) می‌فرماید: «حسن خلق و تواضع سبب جلب محبت افراد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۷، ۳۴۷) و زیاد شدن دوستداران (همان، ص ۶۶۳) می‌شود».

۲-۳. وظایف تربیتی مربی در بستر اعتماد عاطفی

اعتماد متری به مربی ظرفیتی است که مربی باید از آن در ابعاد بینشی، انگیزشی و رفتاری تربیت دینی استفاده نماید. بعد از اینکه مربی با روش‌های اشاره شده توانست محبت و اعتماد متری را بدست آورد، اصلی‌ترین وظیفه وی که رشد و تربیت متری است، آغاز می‌شود. در این دوران مربی دو عنصر اساسی در اختیار دارد. عنصر اول همان «اعتماد و علاقه متری به مربی» است که با روش‌های فوق حاصل می‌شود و به نحوی می‌توان گفت ایجاد آن در اختیار مربی است. اما در کنار این عنصر، «تربیت‌پذیری» بالای نوجوان وجود دارد که از ویژگی‌های این مقطع سنی است. تربیت انسان در مقطع کودکی و نوجوانی، بسیار آسان‌تر، سریع‌تر و پایدارتر از رشد دادن وی در سنین بالاتر است. نفس کودک در ابتدای امر، چون صفحه کاغذ بی‌نقش و نگاری است که هر نقشی را به سهولت و آسانی قبول می‌کند، و چون قبول کرد، زوال آن به آسانی نشود؛ چنانچه مشاهده است که اطفال را معلومات یا اخلاقی که در اول صباوت حاصل شده، تا آخر کهنولت باقی و برقرار است، و نسیان به معلومات زمان طفولیت کمتر راه پیدا کند (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴).

مربی با استفاده از دو عنصر «اعتماد متری» و «تربیت‌پذیری» باید در راستای اجرای وظایف تربیتی مربوط به دوره نوجوانی گام بردارد. مهم‌ترین وظایفی که در این دوران بر عهده مربی است، عبارتند از:

۲-۱-۳. آموزش آداب، قوانین و مقررات فردی و اجتماعی دینی

آموزش آداب و رعایت قوانین و مقررات فردی و اجتماعی دینی یکی از وظایف مربی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۸۵). آداب دایره بسیار گسترده‌ای دارد و کوچک‌ترین امور مانند مسواک زدن را شامل می‌شود تا مسائلی مانند احترام رعایت حقوق انسان‌ها.

آموزش و نهادینه کردن آداب گاه در قالب انتقال کلامی و گاه در قالب آموزش عملی صورت می‌گیرد. منظور از آموزش عملی، الگو بودن مربی برای متربی است (کوشا و ساجدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۳). الگو بودن مربی در یاددهی مفاهیم و اجرای برنامه‌های تربیتی او بسیار مؤثر است (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۲، ص ۲۵). با توجه به الگوپذیری بالای متربی از مربی انتظار می‌رود به وظایف الگویی خود عمل کند و تمام تلاش خود را انجام دهد تا الگوی حسنه‌ای برای متربی باشد. امام خمینی در تاکید بر این مسأله خطاب به والدین می‌فرماید: «چون اطفال را حشر دائم یا غالب با پدر و مادر است، تربیت‌های آنها باید عملی باشد؛ یعنی، اگر فرضاً خود پدر و مادر به اخلاق حسنه و اعمال صالحه متّصف نیستند، در حضور طفل با تکلف، خود را به صلاح نمایش دهند تا آنها عملاً مرتاض و مربی شوند، و این خود، شاید مبدأ اصلاح خود پدر و مادر نیز شود؛ زیرا که مجاز قنطره حقیقت و تکلف، راه تخلّق است» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵).

۲-۳-۲. ایجاد التزام عملی به مناسک دینی مانند نماز و روزه (تربیت عبادی)

کودکی و نوجوانی مقطع مناسبی برای علاقه‌مند کردن و عادت دادن متربیان به مناسک دینی مانند نماز و روزه است. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۵)، «قلب نوجوان مانند زمین خالی است که هر آنچه در آن ریخته می‌شود، می‌پذیرد».

بعد از اینکه محبت و اعتماد عاطفی بین مربی و متربی حاصل شد، وظیفه مربی آن است که متربی را به مناسک دینی علاقه‌مند کند و او را به اقامه آنها عادت دهد. یکی از فلسفه‌های آموزش تکالیف عبادی به کودکان این است که بر اثر تمرین و تکرار، تکالیف عبادی برای آنان ملکه شود. خانواده‌هایی که از فرصت دوران کودکی برای تربیت عبادی فرزندان خویش استفاده نمی‌کنند، به طور معمول در دوره بلوغ و سن تکلیف با مشکل رکود معنوی روبرو می‌شوند (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۴، ص ۲۹). ایجاد التزام عملی باعث می‌شود پذیرش اعتقادات برای متربی سهل گردد و در مقام عمل، کاری را که برحسب طبیعت برای او دشوار است، آسان تصور کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۹، ص ۷۳۴). هر عملی که از متربی سر بزند، خوب

باشد یا بد، اثری ولو کمرنگ در دستگاه ادراکی او برجای خواهد نهاد، و اگر این عمل تکرار شود، اثرگذاری آن بیشتر و بیشتر خواهد شد، تا آنکه ملکه‌ای راسخه در عمق جاننش شکل بگیرد و ماندگار و پایدار شود (داودی، بهشتی و بهشتی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۱).

۳-۲. ایجاد حبّ و التزام به ارزش‌های اخلاقی و نظام اسلامی، دوست داشتن فضیلت و فضیلت‌مندان و تنفّر از رذایل و صاحبان رذیلت

وظیفه دیگر مربی ایجاد علاقه‌مندی و التزام متری به ارزش‌های نظام اسلامی و فضیلت فضیلت‌مندان است. اگر مربی در حرف و عمل علاقه‌مند و پایبند به ارزش‌های نظام ولایی باشد، در متری نیز - به سبب الگوگیری از مربی - این حالت و عمل ایجاد می‌شود. همان‌طور که تربیت عبادی نباید موكول به سن تکلیف شود، ایجاد علاقه و پایبندی به ارزش‌ها نیز نباید تا زمان ورود متری به جامعه به تأخیر انداخته شود؛ زیرا اگر در کودکی و نوجوانی این بذر کاشته نشود، در دوران بزرگسالی تحقق آن بسیار دشوار است.

۴-۲. زمینه‌سازی برای ایجاد سه مشخصه حریت، شخصیت و تفکر

وظیفه بعدی مربی این است که شخصیتی را در متری ایجاد کند تا در برابر هجوم‌ها مسلط باشد و به دیگران اجازه ندهد که به جای او تصمیم بگیرند و با دستور و یا نصیحت و دلسوزی نظراتشان را بر او تحمیل کنند. البته متری باید حرّ نیز باشد و بتواند با اراده خود عادت‌های ناپسند درونش را بریزد. همچنین از مربی انتظار می‌رود متری را با فرایند تفکر نیز آشنا کند تا او بتواند فعالانه تصمیم به حرکت و رشد خود بگیرد. شخصیت و حریت و تفکر، می‌تواند متری را در محیط‌های باز، مسلح کند و مهاجم‌های کهنه‌کار را در بن‌بست بگذارد (صفایی حائری، ۱۳۹۱، ص ۳۳).

۴-۲. مراقبت‌های دوران اعتماد عاطفی

۱-۴-۲. حساسیت نسبت به توان متری

مربی برای تحقق اعتماد عاطفی باید نسبت به توان و وسع متری حساس باشد و آن را در نظر بگیرد. حساسیت نسبت به توان و ظرفیت متری بر کم و کیف فعالیت‌های تربیت دینی در سه حوزه «شناختی، عاطفی و رفتاری» تأثیر بنیادین دارد (طرقی اردکانی، یوسفی و کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۸). در بستر اعتماد عاطفی به سبب علاقه‌ای که متری به مربی دارد، ممکن است تکالیفی خارج از توان را بپذیرد و انجام دهد؛ اما این پذیرش در درازمدت نتیجه عکس داده و سبب انزجار متری از مربی و تکالیف دینی و اجتماعی می‌شود. به عنوان مثال گاه متری به دلیل علاقه‌ای که به مربی دارد، امری را درخواست مربی را برای خواندن تمام نماز شب یا خواندن تمام یک دعای خاص یا اعمال شب قدر اجابت می‌کند، اما پس از

مدتی به دلیل عدم توان و ظرفیت کافی بر انجام چنین اموری، زمینه انحطاط تربی فراهم می‌آید. تذکرات غیرقابل اجرا نه تنها طفل را پیش نمی‌برد، بلکه او را به عقب برمی‌گرداند. وقتی بین علم و عمل تربی فاصله افتاد، قلبش بیمار و نهادش فاسد می‌شود و خودش هم قبول می‌کند که آدم خلافکاری است (حائری شیرازی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۰-۱۸۱).

۲-۴-۲. قاعده‌مندی در مسئولیت‌دهی

تربی در بستر اعتماد عاطفی مسئولیت‌های واگذار شده توسط مربی را با اشتیاق می‌پذیرد. جلب توجه علاقه و اعتماد تربی به مربی اصلی‌ترین دلیل در پذیرش مسئولیت‌ها است. این خصیصه، تربی را به کارهایی وامی‌دارد که حتی ممکن است در منزل نیز تن به انجام آنها ندهد. مانند جارو زدن مسجد، شستن ظرف یا مسئولیت‌های بزرگ و کوچک دیگر. مسئولیت دادن به تربی قواعدی دارد که رعایت نکردن آن منجر به منجر شدن او از مربی، محیط تربیتی و در مرحله بالاتر، منجر شدن از اصل دین می‌گردد. یکی از مهم‌ترین قواعد، «پیش‌قدم بودن مربی» است. براساس این قاعده، اگر در اردو مربی به تربی خویش امر به جمع‌آوری سفره غذا می‌کند، یا در مسجد به او مسئولیت جارو زدن را واگذار می‌نماید، مربی باید پیش‌قدم در همه این امور باشد. در غیر این صورت اگر در این برهه، مربی از مربی خویش جدا شود، در آینده برای این مسئولیت‌ها علت‌جویی می‌کند و با توجه به اینکه در بسیاری از موارد علت‌های موجهی نمی‌یابد، لذا، این حس برای او ایجاد می‌شود که مسجد و کانون و بسیج از او سوءاستفاده کرده و از او بیگاری کشیده‌اند. این مسئله بین افرادی که در کودکی عضو محیط‌های فرهنگی بوده‌اند و بعد از مدتی جدا شده‌اند، فراوان دیده می‌شود.

۲-۴-۳. رعایت حد محبت غیرکلامی

گاه شرایط خاص تربی اقتضاء می‌کند که مربی جهت ایجاد آرامش در تربی، از محبت غیرکلامی استفاده کند. مانند تربی‌ای که به جهت مشکلات حاد خانوادگی، به مربی خویش رجوع کرده و مربی برای آرام کردن وی، دست او را گرفته یا او را در آغوش می‌گیرد و ابراز محبت می‌نماید. در بستر اعتماد عاطفی، این نوع از محبت باید به نحوی کنترل شده باشد که در آینده این حس برای مربی ایجاد نشود که مربی از او سوءاستفاده جنسی کرده است. به طور کلی توصیه می‌شود این ارتباطات در کمترین میزان ممکن باشد و در همان موارد حداقلی نیز حریم‌ها رعایت شود.

۲-۴-۴. پیشگیری از تخریب سایر مربیان

نقد اندیشه و رفتار غلط موجب رشد تفکر انتقادی تربی می‌شود و یک فرصت تربیتی است؛ اما نباید

تبدیل به تهدید شود، چراکه نقد با تخریب متفاوت است و تخریب منجر به از بین رفتن اعتماد مربی می‌شود. گاه در مجموعه‌های فرهنگی دیده می‌شود که بین سرگروه‌ها، مربیان و مسئولان اجرایی، مشکلات و اختلاف نظرهایی پدید می‌آید. این اختلاف نظرها ممکن است در مورد یک مربی باشد، یا در مورد امور جاری مجموعه فرهنگی. برخی مربیان برای شخصیت‌دهی به مربی و به سبب اعتمادی که بین او و مربی وجود دارد، در این مسائل مربی را درگیر در نزاع‌های خود می‌کنند. هرچند با این روش مربی احساس می‌کند، مربی را به خود نزدیک‌تر کرده و رابطه عمیقی را بوجود آورده است، اما چنین کاری در بلندمدت تبعات و نتایج سوئی دارد. اگر مربی در این برهه و قبل از اینکه به بلوغ عقلی برسد و قدرت تحلیل پیدا کند، از مربی خویش یا مجموعه فرهنگی جدا شود، در آینده نگاه بدی نسبت به دین و مجموعه‌های دینی پیدا می‌کند، مثل اینکه مذهبی‌ها با هم مشکل دارند و نمی‌توانند در کنار هم همکاری داشته باشند.

به عنوان یک قاعده کلی، در بستر اعتماد عاطفی، مربی نباید فعالیت‌هایی را انجام دهد که در صورت از بین رفتن این اعتماد، زمینه انزجار و تنفر مربی از دین، مربی و مجموعه فرهنگی فراهم شود. در بستر اعتماد عاطفی نوجوان بدون چون و چرا تابع مربی خویش است و توان تحلیل رفتار مربی را ندارد. در صورتی که مربی در این برهه، به دلیل مسائل و مشکلاتی از مجموعه فرهنگی جدا شود، برای اعمال گذشته خود علت‌تراشی می‌کند و در بسیاری از موارد علت‌های توهمی موجب انزجار و تنفر او از مربی و مجموعه فرهنگی می‌شود.

۳. اعتماد آفرینی عقلانی

۳-۱. تعریف و تبیین اعتماد عقلانی

نوع دیگری از اعتماد، اعتماد عقلانی است. اعتماد عاطفی نشأت گرفته از محبت و علاقه مربی به مربی بود، اما منشاء اعتماد عقلانی محبت و علاقه نیست. پشتوانه این اعتماد، دلایل عقلی و منطقی است. مراجعه بیمار به طبیب حاذق و عمل به دستورالعمل‌های او به سبب اعتمادی است که به آن طبیب دارد، اما منشاء این اعتماد، محبت و علاقه بیمار به طبیب نیست. بیمار برای اعتماد به پزشک دلایل منطقی دارد. البته همراهی دلایل منطقی با محبت و علاقه قلبی باعث می‌شود بیمار راحت‌تر دل در گرو دستورالعمل‌های پزشک ببندد و مسیر درمان را سریع‌تر طی کند. علامه مصباح یزدی نام این اعتماد را، اعتماد علمی گذاشته و می‌فرماید: اگر می‌خواهید کسی را تحت تربیت بگیرید، اول باید اعتماد علمی او را به خود جلب کنید. تا مربی بداند که با چه کسی مواجه است و آیا او قابلیت تربیت نمودن را دارد یا نه؟!

اگر شنونده و مرتبی چنین اعتمادی به مربی خود و گوینده داشته باشد، به حرف‌هایش درست توجه می‌کند. اما اگر نداند که با چه کسی مواجه است و چه کسی درصدد تربیت او برآمده و او را نصیحت می‌کند، دقیق به سخن او گوش نداده و دل نمی‌سپارد و از پندهای وی استفاده نمی‌کند؛ یعنی، درست و صحیح آن را درک نمی‌کند و در مقام عمل نیز درست و دقیق به آن عمل نمی‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۶۷).

در مورد دلایل ایجاد اعتماد عقلانی باید گفت که هیجان‌ات و احساسات، محرک‌های قدرتمندی در شکل‌گیری رفتار هستند. اعتماد عاطفی نشأت گرفته از احساسات و علاقه مرتبی است. از این‌رو می‌تواند محرک موثری در رفتار مرتبی باشد. با توجه به چنین نقش مهمی، چه دلیلی برای تبدیل اعتماد عاطفی به عقلانی وجود دارد؟ اعتماد مرتبی به مربی سبب می‌شود مرتبی دل در گرو مربی خویش بسته و بوسيله او رشد کند. چنین حالتی با اعتماد عاطفی حاصل می‌شود، اما اعتماد عقلانی دو دلیل اساسی دارد که مانع می‌شود مربی در راستای تربیت مرتبی به اعتماد عاطفی بسنده کند.

دلیل اول برطرف کردن آسیب‌های احتمالی دوران اعتماد عاطفی است. قبلاً بیان شد که در بستر اعتماد عاطفی، مربی نباید فعالیت‌هایی را انجام دهد که در صورت از بین رفتن این اعتماد، زمینه انزجار و تنفر مرتبی از دین، مربی و مجموعه فرهنگی فراهم شود. در بستر اعتماد عاطفی نوجوان بدون چون و چرا تابع مربی خویش است و توان تحلیل رفتار مربی را ندارد.

تحقق اعتماد عقلانی از راهکارهایی است که می‌تواند چنین مسائلی را به کمترین میزان خود برساند؛ زیرا مرتبی در بستر اعتماد عقلانی، مربی خود را متخصص و متعهد می‌داند. این امر سبب می‌شود رفتار مربی خویش را به شیوه‌ای صحیح تحلیل نماید و دچار آفت‌های مذکور نگردد.

دلیل دوم، ادامه‌دار شدن رابطه تربیتی است. در این زمینه می‌توان اشاره کرد که «ناپایداری یا ریزش متریبان» از مسائلی است که بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی با آن مواجه هستند. بسیار دیده می‌شود کودکان و نوجوانانی که با شور و حرارت مدتی در برنامه‌های یک مجموعه فرهنگی شرکت کرده و در امور تربیتی با مربیان خویش همراه‌اند، اما در نزدیکی سن جوانی این ارتباط کمرنگ و سرد می‌گردد. اکتفاء به اعتماد عاطفی و ایجاد نکردن اعتماد عقلانی، یکی از علل این ناپایداری است. اعتماد عاطفی معلول محبت و میل مرتبی است. با افزایش سن مرتبی، شعله‌های احساسات و عواطف او کمتر می‌شود. همین مسئله باعث کمرنگ شدن ارتباط او با مربی می‌گردد. حال اگر در این شرایط اعتماد عقلانی بوجود آمده باشد و مرتبی با منطق و دلیل مربی را پذیرفته باشد، تا زمانی که این مربی بتواند نیازهای مرتبی را تأمین کند و زمینه‌های رشد او را فراهم نماید، رابطه بین آنها پایدار می‌ماند. در واقع این رابطه از یک رابطه

احساسی تبدیل به یک رابطه عقلانی شده است و با افزایش سن متری و تقویت قوه عاقله وی، این رابطه نیز پایدارتر می‌گردد.

۲-۳. روش‌های ایجاد و تقویت اعتماد عقلانی

۲-۳-۱. راهگشایی و حرکت‌دهی فکر

یکی از بسترهای مهم برای موفقیت در تربیت دینی، پرورش تعقل متری است. اگر بتوان مراحل از بلوغ را تصور کرد، نخستین بلوغ، دوران انتقال از احساسات خام به دوران تعقل خواهد بود که عبارت از تفکرات مربوط و هدفدار در پرتو قوانین ثابت شده است (علامه جعفری، ۱۴۰۰، ص ۱۹۱). در بحث اعتماد نیز انتقال از دوره احساسات خام به دوران تعقل ضروری است. تحقق اعتماد عقلانی منوط به وجود دلایل منطقی است. دلایلی که اگر آن‌ها حبّ و علاقه هم نباشد، بتواند متری را در عمل با مربی همراه کند. برای تحقق این اعتماد، مربی باید تلاش کند پشتوانه و دلیل اعتمادِ مربی از علاقه و محبت فراتر رود و دلایل عقلانی و منطقی جای آن را بگیرد، مانند اعتمادی که بیمار به طبیب دارد. این امر در صورتی تحقق می‌یابد که متری دریابد اعمال و رفتار مربی برگرفته از فکر و اندیشه است. برای ایجاد این بینش مربی باید در مواردی که امکان آن فراهم است، دلیل گفتار و رفتارهای خود را برای متری تبیین کند. با توجه به تشخیص مربی، این تبیین می‌تواند قبل از عمل صورت گیرد، یا بعد از آن. بهترین روش برای این تبیین، روش سقراطی است؛ زیرا مربی آگاه آن نیست که به جای افراد فکر بکند و استدلال کند و بفهمد و ببیند. مربی آگاه کسی است که چشم افراد را باز می‌کند و پرده‌ها را کنار می‌زند و فکر را حرکت می‌دهد تا افراد استدلال‌ها را بیابند (صفایی حائری، ۱۳۹۹، ص ۸۹). مربی باید از دلیل گفتار یا رفتار خاصی که در قبال متری انجام داده است، سوال بپرسد و این پرسش و پاسخ آنقدر ادامه یابد تا متری به علت رفتار مربی دست یابد. این عمل از طرفی سبب تقویت قوه عاقله و قدرت تفکر متری می‌شود و از طرف دیگر متری پی به دلیل منطقی رفتار مربی خویش می‌برد و همین امر کم‌کم زمینه‌های اعتماد عقلانی را بوجود می‌آورد.

۲-۳-۲. مطابقت گفتار با رفتار

پندها و نصیحت‌های مربی زمانی بر متری موثر واقع خواهد شد، که او نمونه‌ای عملی از آن توصیه‌ها باشد، و گفتار خویش را با عمل هماهنگ سازد (پاک‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۶۰). سلامت گفتار و رفتار مربی، به عنوان یک روش اعتماد عقلانی، متری را به بار می‌نشانند. عمل به پندها و نصیحت‌ها باور متری را افزایش می‌دهد و در مقابل اگر مربی عامل به سخنان خویش نباشد، سبب سلب اعتماد متری می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) در موعظه خویش به ابن مسعود فرموده‌اند: «یا ابن مسعود! لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَهْدِي النَّاسَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُهُم بِالْخَيْرِ وَهُوَ غَافِلٌ عَنْهُ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۴۵۷)، «از کسانی نباش که مردم را به خیر هدایت و امر می‌کنند، ولی خودشان از آن غافل‌اند؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، در حالی که خودتان را فراموش کرده‌اید.

صداقت در گفتار و رفتار، عمل به وعده‌ها، رعایت عدالت بین متریان، رازدار بودن و فاش نکردن اسرار مرتبی از جمله اموری است که سبب جلب اعتماد مرتبی می‌شود.

در نتیجه، روشنگری، تقویت بعد بینشی مرتبی و مطابقت گفتار با رفتار مرتبی سبب ایجاد اعتماد برای مرتبی می‌گردد. این دو، سبب می‌شود مرتبی دریابد که، اولاً رفتارها و گفتارهای مرتبی پشتوانه علمی و منطقی دارد (متخصص است)، ثانیاً، او پایبند به گفته‌های خویش است (متعهد است). پس، زمانی اعتماد عقلانی در مرتبی ایجاد می‌شود که او به تخصص و تعهد مرتبی خویش پی‌برد.

در پایان باید توجه داشت که حصول اعتماد یک امر تدریجی است؛ زیرا از طرفی دو روش فوق زمان‌بر است و از طرف دیگر مرتبی زمانی می‌تواند دلایل عقلی و منطقی برای ارتباط و اعتماد خود با مرتبی بدست آورد که به بلوغ عقلی رسیده باشد.

۳-۳. وظایف تربیتی مرتبی در بستر اعتماد عقلانی

اشاره شد که منشاء اعتماد عقلانی دلایل عقلی و منطقی است و اصولاً زمانی چنین حالتی برای مرتبی ایجاد می‌شود که در ساحت عقلانی، رشد یافته باشد. با توجه به این ویژگی در بستر اعتماد عقلانی، مرتبی باید به تحقق اهدافی بپردازد که ایجاد آن متوقف بر رشد عقلانی مرتبی است. تربیت اعتقادی، پرورش و تحکیم فضایل اخلاقی و آموزش و پرورش مدیریت مرتبی در زمینه‌های مختلف، مهم‌ترین اهداف در این مقطع هستند.

۳-۳-۱. تبیین جهان‌بینی و ارزش‌های والای اسلام

هدف اساسی مکتب تربیتی اسلام، پرستش خدای یگانه بوده و تربیت اعتقادی مهم‌ترین رکن تربیت دینی است؛ زیرا تدین بدون اعتقاد به عقائد بنیادین دینی معنایی نخواهد داشت (داودی، ۱۳۸۸، ص ۴۸). عقاید و اندیشه‌های بنیادی، پایه و اساس هر نظام ارزشی و هر ایدئولوژی منسجم را تشکیل می‌دهد و آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه در شکل‌گیری رفتار انسان‌ها اثر می‌گذارد. از این‌رو، اولین وظیفه مرتبی تربیت دینی برای برقراری و تحکیم نظام ارزشی و رفتاری اسلام و بسترسازی اعتماد عقلانی آن است که مبانی عقیدتی

آن - که ریشه‌های این درخت تنومند و پربرکت به‌شمار می‌رود- را در دل‌ها پابرجا کند تا همواره میوه‌های شیرین و گوارایش را به بار آورد و سعادت و خوشبختی دو جهان را تأمین کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

۲-۳-۳. پرورش و تحکیم فضایل اخلاقی

دومین وظیفه مربی در اعتمادآفرینی عقلانی این است که اقدام به پرورش و تحکیم فضایل اخلاقی کند. در این زمینه می‌توان گفت که اخلاق با ملکات نفسانی، تزکیه و تهذیب نفس، اعمال و رفتار فردی و روابط اجتماعی انسان ارتباط عمیق دارد. روابط میان انسان با خدا را تنظیم می‌کند، روابط میان اعضاء جامعه را سامان می‌دهد، فرد و جامعه را به رستگاری و کمال می‌رساند و در یک جمله، در زندگی و سرنوشت فردی و اجتماعی انسان، نقش عمیق و گسترده‌ای دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۴). هرچند بسیاری از ارزش‌های اخلاقی به صورت فطری در انسان نهاده شده است، اما اولاً این شناخت و گرایش‌های فطری در انسان کلی و مجمل و نیازمند تبیین است، ثانیاً، به مرور زمان و در پیچ و خم زندگی بر روی آن غبار می‌نشیند و نیاز به غبارروبی دارد (عالم‌زاده، بوسلیکی و مرادی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲). در نتیجه مربی از طرفی باید به تبیین فضایل اخلاقی و نهادینه کردن آنها بپردازد و از طرف دیگر با استفاده از روش تذکر، گرد غفلت را از فطرت مرتبی بزدايد. انسانی که گرفتار نسیان‌ها و غفلت‌ها است، ناچار نیازمند تذکرها و یادآوری‌ها خواهد بود، و این مسئولیت مربی است، که با تذکرها، قطره‌های مترکم و زمینه‌های آماده را شعله‌ور کند و حرکت و پیشرفت را فراهم سازد (صفایی حائری، ۱۳۹۹، ص ۶۱).

۳-۳-۳. یاددهی مهارت‌های مدیریت امور خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

یاددهی و تقویت مهارت‌های مدیریت امور خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از دیگر وظایف مربی در اعتمادآفرینی عقلانی است؛ زیرا «انسان مدنیّ بالطبع است»؛ یعنی انسان به حسب خلقت با يك سلسله استعدادها و امکانات آفریده شده است که به فعلیت رسیدن و به کمال رسیدن این استعدادها امکان ندارد، مگر در پرتو تعاون اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۵۳۳). عضویت در جامعه‌ای معین، فرد را در دامنه و بستر وضعیت فرهنگی و اجتماعی خاصی قرار می‌دهد (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۹۶). انسان در بستر اجتماع با مقوله‌هایی مانند خانواده، فرهنگ، اقتصاد و سیاست مواجه است. فقدان مهارت‌های کافی در مدیریت این امور، سبب انزوای فرد از گروه همسالان (جان بزرگی، نوری، و آگاه هریس، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱) و جامعه شده و اعتماد را کاهش می‌دهد.

۳-۴. مراقبت‌های دوران اعتماد عقلانی

۳-۴-۱. توجه به ارتقای علمی، اخلاقی و معنوی مربی

مهم‌ترین مراقبت در پایداری اعتماد عقلانی رشد مربی، یعنی ارتقای علمی، اخلاقی و معنوی اوست. باید توجه داشت که اعتماد عقلانی بر پایه وجود دلایل منطقی شکل می‌گیرد و «تخصص» و «تعهد»، مهم‌ترین دلایل حصول این اعتماد است. این اعتماد تا زمانی ادامه می‌یابد که تخصص و تعهد مربی برای مربی نمایان باشد. در صورتی که مربی رشد یافته نباشد، نمی‌تواند نیازهای مربی را تأمین کند و زمینه‌های رشد او را فراهم آورد. همین نقص سبب می‌شود به تدریج رابطه تربیتی وی با مربی کم‌گردد (هرچند ممکن است رابطه دوستانه باقی بماند). در نتیجه مربی در صورتی می‌تواند اعتماد عقلانی مربی به او را حفظ کند که در راستای تربیت و رشد خویش تلاش کند. بسیار دیده می‌شود مربیانی که با دلسوزی فراوان زندگی خود را وقف دیگران می‌کنند، اما از رشد علمی، اخلاقی و معنوی خویش غافل هستند. این نوع وقت‌گذاری هرچند در ابتدای امر بسیار موثر باشد، اما در ادامه اثرات مخربی دارد که کمترین آن جدا شدن مربی از مربی و مجموعه فرهنگی است.

۳-۴-۲. محوریت تعقل

تربیت دینی به خصوص در جنبه اعتقادی، ملزومات منطقی لازم دارد. گاه مربی در کلاس یا حلقه‌های تربیتی به بیان استدلال‌های اعتقادی می‌پردازد و مربی نیز مطالبی که از استاد می‌شنود را حفظ کرده و به خاطر می‌سپارد. در اینجا هرچند ممکن است مربی مطالب زیادی را به حافظه سپرده و یاد بگیرد، اما خود، تلاشی برای فهم نداشته است. تربیت مذکور مخالف با فرایند تعقل است. تعقل می‌کوشد پویای فکری انسان را از لغزش‌گاه‌ها مصون بدارد و آن را مساعدت نماید تا به حقیقت هستی (خدا و راه خدا) هدایت یابد (باقری، ۱۴۰۱، ص ۲۰۲). در نتیجه نقش مربی در تحقق این هدف، هدایت‌گری است. مربی باید با توجه دادن مربی به علوم حضوری و دانسته‌های خویش، زمینه تفکر و رسیدن به خالق هستی را در وی بوجود آورد. ادراکات حضوری سرآغاز جریان رشد، رویش و فلاح است. انبیاء با ذکر و یادآوری این معلومات حضوری، کار را آغاز می‌کنند و این جریان فکری را از اسلام تا ایمان تا تقوا تا احسان تا اخبات تا سبقت تا قرب تا لقاء تا رضوان، پایه می‌گذارند (صفائی حائری، ۱۳۹۱، ص ۵۳).

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تبیین «اعتمادآفرینی مربی تربیت دینی در رابطه با مربی» نشان داد که می‌توان اعتماد بین مربی و مربی در فضای تربیت دینی را به دو دسته «اعتماد عاطفی و عقلانی» تقسیم کرد.

اعتماد عاطفی نشأت گرفته از عواطف و احساسات است و سبب می‌شود مربی میلی قلبی به راهبری‌های مربی پیدا کند. برخلاف اعتماد عاطفی، اعتماد عقلانی بر پایه عقل و منطق است. برای تحقق، حفظ و افزایش هر کدام از این دوگونه اعتماد، مربی باید اصول و روش‌های خاصی را اعمال کند. گونه‌شناسی اعتماد و تفکیک بین آنها، در انتخاب اهداف تربیتی موثر است. مربی تربیت دینی در رابطه تربیتی به دنبال تحقق اهداف تربیت است. هر کدام از اهداف در بستر خاصی محقق می‌شود. نوع اعتماد مربی به مربی یکی از علل موثر در انتخاب اهداف است. اعتماد عاطفی زمینه مناسبی برای تحقق برخی اهداف مانند ایجاد حبّ و التزام به ارزش‌های اخلاقی و نظام اسلامی است. همچنین اعتماد عقلانی بستر مناسبی برای تحقق اهدافی مانند ایجاد جهان‌بینی و تبیین ارزش‌های والای اسلامی است. تحقق هر کدام از این اهداف نیز اصول و روش‌های خاص خود را دارد که مربی موظف به رعایت آنها است. اعتماد ایجاد شده از سوی مربی که مدار حرکتی‌اش بر محور توحید است، با ضمیر و قلب درمی‌آمیزد، تفکر را درگیر می‌کند و در نهایت در جوارح متجلی می‌شود. در این باره باید گفت که به طور طبیعی مربی اگر در چیزی حُسن و جمالی نیابد، به آن حس خوبی پیدا نمی‌کند و آن را دوست نمی‌دارد. همچنین هرچقدر معرفت او بیشتر، زنده‌تر و کارآمدتر باشد، تأثیرش بر عمل بیشتر خواهد بود. به نظر می‌رسد اگر عاطفه بر احساسات سطحی و زودگذر مبتنی گردد و با تفکر هم‌نشین نشود، نمی‌تواند نقش سازنده‌ای در کنش و عمل مربی داشته باشد. ارائه مباحث تربیتی در صورتی مفید است که متناسب با گرایش‌های فعال مربی و اعتماد او باشد. در مورد اتکاء رفتار بر گرایش‌ها و عواطف، سجادی (۱۳۹۰) معتقد است که معبر رفتار در آدمیان، روان‌آگاه و کشش‌های عاطفی است. همچنین قاسم‌زاده (۱۳۷۸) در کتاب «شناخت و عاطفه»، اینگونه آورده است که: «هر رفتاری باید جنبه عاطفی داشته باشد تا به وقوع بپیوندد. رفتار از انگیزه برمی‌خیزد، انگیزه بدون عاطفه از نیروی لازم برای حرکت برخوردار نخواهد بود». در «راهنمای برنامه درسی قرآن و تعلیمات دینی دوره‌های راهنمایی تحصیلی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی» (۱۳۹۰) اشاره شده است که در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی، باید نگاهی توأم با توازن داشت. طبق این راهنما ابعاد شناختی، گرایشی و عملکردی نه‌تنها با یکدیگر تنافر ندارند، بلکه مکمل و متمم یکدیگرند و به میزانی که مربی به کمال برسد، توانایی او در جمع این ابعاد افزایش می‌یابد.

— منابع —

قرآن کریم

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین، ج ۱.
- اعراف، علیرضا (۱۳۹۶). *فقه تربیتی*. قم: موسسه اشراق و عرفان، ج ۲۴.
- اقدسی، سمانه؛ کیامنش، علیرضا؛ مهدوی هزاوه، منصوره؛ صفرخانی، مریم (۱۳۹۳). تعامل معلم - دانش آموز در کلاس درس مدارس موفق و ناموفق: مطالعه موردی از مدارس ابتدایی شرکت کننده در آزمون پرلز ۲۰۰۶ و تیمز ۲۰۰۷. *تعلیم و تربیت*، شماره ۱۱۹، ص ۹۳-۱۲۰.
- اکبری، ابوالقاسم (۱۳۸۹). *نیازهای نوجوانان و جوانان*. تهران: ساوالان.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه، ج ۲.
- باقری، خسرو (۱۴۰۱). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه، ج ۱.
- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۲). *تربیت در سیره و سخن امام حسن مجتبی (ع)*. قم: هجرت.
- پودینه درویشی، فاطمه (۱۴۰۰). *ایجاد ارتباط سازنده بین معلم و دانش آموز: پژوهشی عمل‌گرا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زابل.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دارالکتاب الإسلامی.
- جان بزرگی، مسعود؛ نوری، ناهید؛ آگاه هریس، مؤگان (۱۳۸۹). *آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان*. تهران: کتاب ارجمند.
- جعفری، محمدتقی (۱۴۰۰). *ارکان تعلیم و تربیت*. تهران: ارمغان طوبی.
- حائری شیرازی، محیی‌الدین (۱۳۹۸). *مربی و تربیت*. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دانایی فرد، حسن؛ رجب‌زاده، علی؛ حصیری، اسد (۱۳۸۸). ارتقاء اعتماد درون‌سازمانی در بخش دولتی، بررسی نقش شایستگی مدیریتی مدیران. *پژوهش‌های مدیریت*، ۲(۴)، ص ۵۹-۹۰.
- داودی، محمد (۱۳۸۸). *تربیت دینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داودی، محمد؛ بهشتی، محمد؛ بهشتی، سعید (۱۳۹۹). *درآمدی بر فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی*. تهران: سمت.
- راهنمای برنامه درسی قرآن و تعلیمات دینی دوره‌های راهنمایی تحصیلی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- سجادی، ابراهیم (۱۳۹۰). قرآن و ارزش اخلاقی عواطف و احساسات. *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۷(۴)، ص ۲۰-۴۳.
- صفائی حائری، علی (۱۳۹۱). *انسان در دو فصل*. قم: لیلۃ القدر.
- صفائی حائری، علی (۱۳۹۹). *مسئولیت و سازندگی*. قم: لیلۃ القدر.
- ضرابی، عبدالرضا (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات تربیتی: تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی.
- طرقی اردکانی، مجید؛ یوسفی، جعفر؛ کاظمی، سیدعنایت اله (۱۳۹۸). بررسی فقهی رعایت توان متری در اقدامات تربیتی. *مطالعات فقه تربیتی*، شماره ۱۱، ص ۳۵-۷.
- عالمزاده، محمد؛ بوسلیکی، حسن؛ مرادی، حسین (۱۳۹۳). نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*. قم: رضی، ج ۲.
- قاسم‌زاده، حبیب‌اله (۱۳۷۸). *شناخت و عاطفه: جنبه‌های بالینی و اجتماعی*. تهران: فرهنگان.
- قایمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش الگویی در تربیت اسلامی. معرفت، شماره ۶۹، ص ۲۵-۳۷.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی. *تربیت اسلامی*، ۳(۶)، ص ۱۲۲-۹۳.
- کوشا، غلام‌حیدر؛ ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۳). خانواده و مدیریت الگوپذیری نوجوان. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، شماره ۱، ص ۱۳۶-۱۱۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۲، ۵.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۹۲.
- محمدرضا (۱۳۷۹). جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان. معرفت، شماره ۳۸، ص ۲۸-۳۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). *آموزش عقائد*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ الف). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ب). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *پند جاوید*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- مصطفوی، حسین (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. قم: صدرا، ج ۲۹، ۱۵.

الإعتماد العاطفي والفكري للمعلم والمربي في التربية الدينية أساليبها وظائفها ومراقبتها

محمد مهدي حميدى بور^١، حسن النجفى^٢

^١ ماجستير في التربية الأخلاقية، مؤسسة الأخلاق والتربية لتعليم العالي، قم، إيران. mmhamidipour@gmail.com

^٢ دكتوراه في قسم الدراسات والمطالعات الدراسية، جامعة العلامة الطباطبائي، طهران، إيران (الكاتب المسؤول).

hnajafih@yahoo.com

الخلاصة

لاشك ولاريب فإن الهدف من وراء كتابة هذا البحث هي دراسة وسائل الإعتماد للمعلم والمربي في التربية الدينية بالنسبة الى وجود المتربي، وقد كان الأسلوب الذي إتبعته هذه الدراسة هو الأسلوب التحليلي - الإستنتاجي، وقد أظهرت النتائج الحاصلة منه بأنه يمكن تقسيم الإعتماد الحاصل بين المربي والمتربي في محيط التربية الدينية الى قسمين "الإعتماد العاطفي والفكري" وينبغي للمربي إعمال بعض الاصول والأساليب الخاصة وذلك من أجل تحقيق والحفاظ على كل واحد منهما، وتلعب عملية تصنيف الإعتماد والثقة والتفكيك بينها دور فعال في إنتخاب الأهداف التربوية المنشودة، ويتغى المربي والمعلم للتربية الدينية وفي خضم التربية تلك الى تحقيق وإنزال الأهداف التربوية على أرض الواقع وتحقق كل واحد من تلك الأهداف في أرضية ومناخ خاص، وتعتبر عملية إعتماد المتربي على المربي واحدة من العلل والأسباب التي تضع بصماتها المباشرة في إنتخاب الأهداف. وبالطبع فإن الإعتماد العاطفي هو أرضية مناسبة وخصبة من أجل تحقيق بعض الأهداف من قبيل إيجاد الحب والإلتزام بالقيم والمثل الأخلاقية والنظام الإسلامي. وكذلك فإن الإعتماد الفكري هو قالب مناسب من أجل تحقيق أهداف معينة مثل خلق رؤية للعالم وبيان القيم الإسلامية العليا، فالإعتماد التي يخلقه المربي الذي تعتمد مدار حركته على التوحيد، سوف يمتزج بالضمير والقلب، ويشغل الفكر، فتتجلى في النهاية في عمل الجوارح. ومن الطبيعي القول في هذا السياق بأن المتربي إذا لم يجد الخير والجمال في شيء ما، فإنه لا يشعر بالرضا عنه ولا يكن له المحبة. ويبدو أنه إذا كانت العاطفة تبتني وتستقيم على المشاعر السطحية والعابرة وعدم انسجامها وتناغمها مع فكره فإن لا يستطيع بحال من الاحوال ان يلعب دور الباني لفعل وعمل المتربي ولاشك فإن طرح البحوث التربوية تكون مفيدة وذات جدوى حينما تتناسب مع الإتجاهات النشطة للمتربي وإعتماده الممنوح.

المصطلحات المحورية: المربي، التربية الدينية، الفتى، الإعتماد العاطفي، الإعتماد الفكري.

Teacher's Emotional and Rational Trust-Building in Religious Education; Methods, Duties, and Considerations¹

Mohammad Mehdi Hamidipour¹, Hassan Najafi²

¹ Master's Degree, Moral Education, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran. mmhamidipour@gmail.com

² Ph.D., Curriculum Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
(Corresponding author). hnajafih@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review how theology teachers build trust with their students. The research method is analytic-inferential and the results showed that trust between teachers and students in theological contexts is divided into "emotional and rational". To build, sustain, and enhance each type of trust, teachers should apply special principles and methods. Classification of different types of trust and their distinction is effective in choosing educational objectives. Theology teachers seek training purposes fulfilled in a special context. The type of trust students have in their teachers is an effective factor for choosing purposes. Emotional trust is a suitable background to fulfill some objectives such as creating friendship and commitment to moral values and Islamic system. Furthermore, rational trust provides a suitable ground for the substantiation of some purposes such as creating an Islamic world view and high Islamic values. The sense of trust built by teachers who move around the axis of monotheism intermingles with soul and heart, involves thinking, and is ultimately manifested in the organs. In this regard, it should be mentioned that if a student naturally does not find goodness and beauty in a subject, he/she would not be interested in that issue to like it. It seems that if emotions are founded upon shallow and transient sentiments and not based on thinking, it cannot have a constructive role on teachers' actions and performance. Presentation of educational discussions is useful only if they are compatible with students' active tendencies and trust.

Keywords: Teacher, Religious Education, Teenager, Emotional Trust, Rational Trust.

1. **Received:** 2022/10/17 ; **Revision:** 2023/01/28 ; **Accepted:** 2023/01/29 ; **Published online:** 2023/02/04

© the authors

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries

